

میثم مهد یار، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «جوان»:

هویت ملی فوتبال بر لمپنیسم آن غلبه می‌کند

حضور در جام جهانی از جمله اتفاقاتی است که هر چهار سال یکبار موجب می‌شود همبستگی مردم کشورهای شرکت‌کننده با یکدیگر بیشتر شود و همگی حول موفقیت تیم ملی کشور خود متحد شوند. با این حال جام جهانی این دوره با جام‌های جهانی قبلی متفاوت است. عده‌ای با تمام توان رسانه‌ای و فضاسازی در شبکه‌های مجازی تلاش کرده‌اند تیم ملی فوتبال ایران را ذیل اغتشاشات اخیر قرار دهند، به هر نحو ممکن مردم را از حمایت از این تیم باز دارند. کار به جایی کشید که حتی عده‌ای بعد از شکست تیم ملی ایران از انگلستان طی اقدامی ضدملی در فضای مجازی به ششادی پرداختند. برای بررسی دلایل این تأثیرگذاری و همچنین آثار آن بر هویت ملی کشور به سراغ میثم مهد یار، استاد جامعه‌شناسی رفته‌ایم. گفت‌وگوی «جوان» را با معاون پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات بخوانید.

در شرایطی که فوتبال و جام جهانی هویت ملی را در کشور تقویت می‌کند، لیدر های اغتشاشگران به دنبال نفرت‌پرانی هستند تا به شکلی بین مردم و تیم ملی فاصله ایجاد کنند. دلیل این اقدام چیست و نتیجه این رفتار برای جامعه چه خواهد بود؟

فوتبال سکه‌ای دورو است. یک روی این سکه می‌تواند در خدمت هویت محلی و ملی باشد، برای ارتباطات فرهنگی و اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد و در خدمت صلح بین ملت‌ها باشد. روی دیگر این سکه پرورش نوعی لمپنیسم است، به خصوص در کشور که رقابت‌های ورزشی و مخصوصاً فوتبال یک کار و کاسبی رسانه‌ای پشت خود دارد. دست‌هایی پشت رقابت‌ها و جنجال‌های ورزشی وجود دارد و سال‌هاست روزنامه‌های ورزشی جزو پر فروش‌ترین روزنامه‌ها هستند. به هر حال این یک رقابت و جدال کاذب است که فوتبال را از استادیوم به صحنه جامعه منتقل می‌کرد و خودش موجب شیوع یک لمپنیسم می‌شد. یکی از دلایل این نیز این است که فوتبال ملی در کشور ما خیلی هویت‌مند نیست؛ به‌غم اینکه در سطح محلی هویت‌مند است، ولی در سطح ملی تیم‌های فوتبال به یک طبقه یا هویت اجتماعی خاصی مربوط نیستند. یعنی مثلاً در مورد استقلال و پرسپولیس غیر از رنگ لباس، تمایزی خاص بین آنها نمی‌بینید و اگر کسی از استقلال به پرسپولیس برود، اتفاق خاصی نمی‌افتد و قرار نیست تغییری در منش یا سبک زندگی یا سبک فوتبال آن بیفتد. وقتی این هویت وجود ندارد و به رقابت‌های کاذب دامن زده می‌شود، موجب شکل‌گیری یکسری رفتارهای توده‌ای و یک نوع لمپنیسم می‌شود که ما در چند دهه اخیر زیاد در عرصه اجتماعی شاهد آن بوده‌ایم. این موضوع خودش را در اعتراضات و شورش‌های اجتماعی باز تولید می‌کند که بخشی از آن را من در این استادیومی شدن فضای اجتماعی می‌بینم. بین آن کارکرد ملی که فوتبال می‌تواند یک زبان مشترکی برای مردم باشد و یکپارچگی و انسجام ملی ذیل یک هدف مشترک ایجاد می‌کند با کارکرد دیگر منفی ماجرا که یک نوع توده‌گرایی را دامن می‌زند، قابل‌توجه‌دارد. از این طرف فوتبال و به خصوص فوتبال مدرن در میان سبربی‌ها یا جنجال‌های ورزشی و رقابت‌های کاذب می‌چرخد و نسبتی با ساخت‌های اجتماعی پیدا نمی‌کند و در آن لمپنیسم بر جسته می‌شود. این دور در رقابت‌هایدیگر هستند و در این شرایط است که بعضی از اوقات ممکن است آن کارکردش بر کارکرد مثبت و انسجام‌بخش فوتبال راجع با مسئولی شود و ممکن است در نهایت فوتبال موجب اختلاف نیز نشود. مثلاً تیم‌های استانی یک فرصتی برای معرفی آن استان هستند. وقتی تیم‌های استانی در لیگ ملی بازی می‌کنند موجب ارتباطاتی بین استان‌ها می‌شود. تماشاچی‌ها رفت‌وآمد می‌کنند، اسم آن استان بر سر زبان‌ها می‌افتد، توجهات به آن استان بیشتر می‌شود و یک نوع آشنایی بین اقلیم‌ها و استان‌های مختلف در فوتبال رخ می‌دهد. به خصوص در رقابتی که مثلاً بازیکنانی از آن استان در تیم استانی خود بازی می‌کنند و ما با زبان، فرهنگ یا حتی چهره آن منطقه و همه آن چیزی هایی که تعلقات بومی- فرهنگی محسوب می‌شوند، بیشتر آشنا می‌شویم. منتها روی دیگر سکه فرصت آشنایی با اقلیم‌های فرهنگی این است که می‌تواند موجب شکل‌گیری یک واگرایی شود. مثلاً اتفاقی که برای تیم تراکتور افتاد و این تیم خواه نخواه وسط یک گفت‌وگو با گرافیکان تجزیه‌طلبانه افتاد. این دووجه فوتبال در رقابت با یکدیگر هستند. اما در نهایت هویت ملی فوتبال بر لمپنیسم غلبه می‌کند.

انگلسنان کشوری است که اتفاقا لمپن‌های فوتبالی آن خیلی هم معروف است، ولی با وجود این، وقتی بازی ملی مطرح است، همین لمپن‌ها پشت تیم ملی خودشان قرار می‌گیرند و باز بکنان ملی آنها نیز در زمان خواندن سرود ملی و دیگر موارد نسبت به تیم ملی‌شان تعصب دارند، حتی امکان دارد بعد از این سرود ملی در اعتراض به نژاد پرستی هم زانو بزنند، ولی از تعصب آنها نسبت به سرود ملی‌شان کم نمی‌کند. دلیل اینکه ما این موضوع را نسبت به تیم ملی خودمان کمتر احساس می‌کنیم، چیست؟

به چند عامل اصلی مربوط است. یکی اینکه ما تحت هجوم رسانه‌ای هستیم که رقبای منطقه‌ای و دیگران علیه هویت ملی ما برنامهریزی و در خصوص آن فعالیت کرده‌اند. مسئله دیگر این است که در نظام آموزشی‌مان نتوانسته‌ایم نگاه و یک نوع هویت تاریخی را نهادینه کنیم و محصل مدرسه و دانشگاه ما به تاریخ ایران بیگانه است و با نمادها و سرایه‌های نمادین تاریخی و فرهنگی ما اساساً ارتباطی برقرار نمی‌کند. رویکرد ما در رشته‌های علوم انسانی یافتی و مهندسی در دانشگاه، غیر تاریخی و حتی ضدبومی بوده‌است و در رشته‌های فنی مهندسی، معماری یا مهندسی ما ارتباطی با تاریخ و هویت تاریخی ما برقرار نمی‌کند. در علوم انسانی نیز یک محور عمده در این حوزه تاریخ است، ولی قاف‌التحصیلان علوم انسانی ما در یکی از تاریخ ندارند و خیلی با آن آشنا نمی‌شوند و خود این هم مسئله‌ساز است. از سوی دیگر ساخت‌های اجتماعی ما نیز، یک نوع هویت تاریخی را نهادینه نکریم و محصل مدرسه و دانشگاه ما به اتفاقی که مثلاً در مدیریت شهری می‌افتد که در محله‌زدایی‌ها شاهد آن هستیم، همراه جاکندگی‌ها مثل آن مهاجرهای سنگینی که اتفاق می‌افتد (از مناطق مرکزی کشور یا از روستا به شهرها می‌آیند، موجب شکل‌گیری یک جمعیت توده‌ای می‌شود که خیلی تقل فضایی، محلی و تاریخی ندارند و اینها خیلی راحت تحت تأثیر جو غالب و رسانه‌ای قرار می‌گیرند و دشمنان هم روی این امواج سوار می‌شوند و بهر خودشان را می‌برند.

وقتی در زمان جام جهانی نیز این تشتت را در برخی داریم برای جامعه چه آزاری دارد؟ اکنون باید چه کاری انجام دهیم؟

این چیزی نیست که یک شبه اتفاق افتاده‌باشد و انتظار داشته باشیم یک شبه پایان پذیرد. همه این عواملی که ذکر کردم در طول زمان رخ داده و خیلی نباید انتظار داشته باشیم که در این یکی دو هفته اصلاح شود و آنهایی که رفتارهای توده‌ای داشته‌اند و لمپنیسمی که شکل گرفته در دو هفته اصلاح پذیرد. این مسئله نیازمندان است که هم شما بتوانید در زیرساخت‌های اجتماعی هویت اجتماعی، تاریخی و فرهنگی را تقویت کنید و هم در نظام آموزشی و تربیتی این مسئله را پیگیری کنید. همچنین نظام اقتصادی خود را اصلاح کنید و اقتصاد سیاسی که این شرایط را تشدید می‌کند و می‌تواند جامعه، اتوده‌وار کند، اصلاح کنید. مثلاً همین خصوصی سازی‌هایی که انجام می‌شود، بی تأثیر در شکل‌گیری یک جامعه توده‌ای نیست، چون دست مردم را از فضاهای اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی کوتاه می‌کند و فرصت‌های اقتصادی که مردم می‌توانند بی‌واسطه با دولت ارتباط برقرار کنند، گرفته می‌شود و آنها مجبور هستند با سرمایه‌داران و طبقات بالای اجتماعی ارتباط داشته باشند. دولتی که خودش می‌تواند عرصه‌های اقتصادی را پیش ببرد، به بخش خصوصی می‌دهیم و مأموریت‌های حاکمیتی را به بخش خصوصی محول می‌کنیم، بخش خصوصی هم نیروی کار را استثمار می‌کند و این استثمار نیروی کار موجب شکل‌گیری توده‌های معترض اجتماعی می‌شود.

پنج‌شنبه ۲۳ آذر ۱۴۰۱ | ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ |

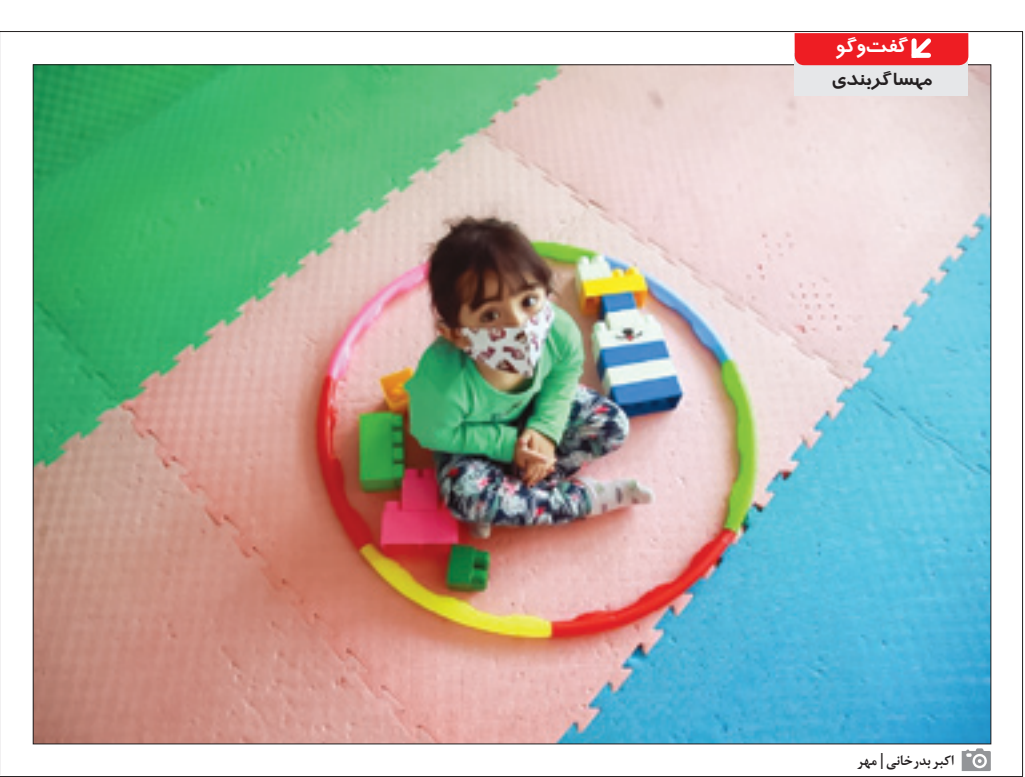
سرویس اجتماعی ۸۸۴۹۸۴۴۰۹

وضعیت سازمان تعلیم و تربیت کودک در گفت‌وگوی «جوان» با رئیس سازمان تعلیم و تربیت کودک

تعلیم و تربیت کودک با ۲۰ هزار تومان!

در اساسنامه سازمان تعلیم و تربیت کودک پیش‌بینی شده‌بود تا ظرف ۳ ماه این سازمان تشکیل شود

اما با گذشت ۱۸ ماه این سازمان هنوز حتی ساختمان هم ندارد!



گفت‌وگو
میساکر بندی

امروزه در دنیا و از نگاه متخصصان تعلیم و تربیت، نگاه تربیتی به اوان کودکی (صفر تا شش سال) وجود دارد و از نگاه صرفاً مراقبتی به این برهه فاصله گرفته‌اند. در حالی که درباره ضرورت افزایش جمعیت در کشور صحبت می‌کنیم، اما نگاه همه‌جانبه به آن نداریم و به فرزندپروری توجه چندانی نمی‌کنیم. اسفندماه سال ۹۹ قرار شد سازمان تعلیم و تربیت تأسیس شود تا ماجرای تازه‌ای برای «تعلیم و تربیت» کودکان زیر شش سال را آغاز

چرا با گذشت ۱۸ ماه از زمان تأسیس سازمان تعلیم و تربیت هنوز هم این سازمان مستقر نشده‌است؟ از آنجایی که مسئولان نگاه دغدغه‌مند به پرورش کودک ندارند و همچنین برخی از نهاده‌ا، همکاری و همراهی لازم را با ما ندارند، روند کارهای سازمان تعلیم و تربیت با اختلال مواجه شده‌است. از طرفی اساسنامه سازمان ما چهار روز مانده به پایان سال ابلاغ شد، یعنی در ۲۶ اسفند ۱۳۹۹ و در دوران کرونا که حتی امور طبیعی هم مختل شده‌بود، چه برسد به اینکه سازمانی بخواهد تأسیس و مستقر شود. پس از آن نیز انتخابات ریاست جمهوری دوره سیزدهم و تغییر دولت از خرداد ماه اتفاق افتاد که به دنبال آن در ماه‌های بعدی تغییراتی در سازمان‌ها صورت گرفت. همچنین شاهد بودیم که پس از استقرار دولت سیزدهم برای انتخاب وزیر آموزش و پرورش، زمان زیادی سپری شد، چراکه دو وزیر معرفی شدند و رأی اعتماد نگرفتند و وزارت آموزش و پرورش با سرپرست اداره می‌شد. اینها در حالی اتفاق افتاد که دولت در اساسنامه موظف بود در بازه سه ماهه سازمان را راه‌اندازی کند، اما کمرلطفی‌هایی شد که ما را از هدفمان دور کرد.

مشخص است که سازمان تعلیم و تربیت کودک چه زمانی مستقر خواهد شد؟

زمان مشخصی را نمی‌توان برای آن تعیین کرد، چراکه این تصمیم در اختیار سازمان تعلیم و تربیت کودک نیست و یک موضوع کاملاً فراسازمانی است. ما نیز می‌خواهیم مسئله استقرار به نتیجه برسد و هر چه زودتر از این اقدامات دور شویم تا بتوانیم به اصل مطلب که پرورش کیفی کودکان است به‌طور ص‌در صدی بپردازیم. متأسفانه پیگیری خود این‌امور قدماتی، بخشی زیادی از توان سازمان را گرفته و اینها ما را از کار اصلی که مأمور آن شده‌ایم، دور کرده‌است.

موانع دیگری که بر سر راه سازمان وجود دارد، چیست؟

طبق ماده ۱۴ اساسنامه سازمان تعلیم و تربیت ایجاد سازمان باید بدون گسترش تشکیلاتی باشد، یعنی ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها و ادارات آموزش و پرورش شهرستان‌ها بدون اینکه رهبریهایی را افزایش دهد باید با جد جدی بردوشش اضافه شود و برای تعلیم و تربیت ۸میلیون مخاطب کودک کشوری اقداماتی انجام دهد، در صورتی که قبل از آن، متولی این ۸میلیون کودک آموزش دیده نبوده‌است. از طرفی بودجه در نظر گرفته‌شده برای سازمان تعلیم و تربیت را اگر تقسیم بر ۸ میلیون کودک در کشور کنیم، مشخص می‌شود که به ازای هر کودک حدود ۲۰ هزار تومان بودجه در نظر گرفته شده‌است. در حالی که اگر بخواهیم این بودجه را با بودجه و جمعیت دانش‌آموزان آموزش و پرورش که ۱۶ میلیون نفر هستند مقایسه کنیم، می‌بینیم به هر کودک و نوجوان دانش‌آموز، حدود ۱۲ میلیون تومان بودجه می‌رسد که تازه می‌گوییم این ۱۳ میلیون کفاف دانش‌آموز را نمی‌دهد.



رئیس سازمان تعلیم و تربیت معتقد است کسی به فکر تربیت کودکان نیست



روزنامه جوان | شماره ۶۶۲۲

در یکی از برنامه‌های توسعه، سیاستی برای کوچک‌سازی دولت اتفاق می‌افتد که مجموع نهادهای وابسته‌ای که به دستگاه دولتی وصل هستند باید واگذار شوند؛ از جمله درماتگاه‌ها، مهمانسراها، مراکز رفاهی و همچنین مهدهای کودک. به همین دلیل بسیاری از مهدهای کودک ادارات و دانشگاه‌ها تعطیل شد و به جای آن بایاللی به عنوان هزینه مهد کودک به مادران پرداخت شد که البته رقم قابل توجهی نیست؛ مثلاً در سال ۱۴۰۱ ماهانه حدود ۲۰۰ هزار تومان تعیین شده‌است. این اتفاق کاملاً مغایر فرزندآوری و جوانی جمعیت است که تأکید زیادی روی آن شده‌است.

ما تأکید داریم که باید همه ادارات، مرکزی را به عنوان مهد کودک در نزدیک خودشان داشته باشند تا با هم‌ریان متخصص اداره شود. به عقیده من این مکان باید نزدیک به محل کار یا محل تحصیل مادران باشد، چراکه باورمان این است مادر در شش سال اول زندگی کودک باید نزدیک کودک خود باشد و کودک باید با خانواده وقت زیادی بگذراند تا احساس امنیت و آرامش کند و نباید نسبت به این مسئله غفلت شود، زیرا تبعات منفی در زیادی در آینده به دنبال دارد. اگر به هر دلیلی تحصیل یا کار مادر ناگزیر است از کودک خود دور بماند، باید این دور ماندن تا حد ممکن به حداقل برسد.

برخی از تصمیمات در کشور گرفته می‌شود که از منظر تربیتی به آن نگاه نشده‌است، مثلاً اینکه از نگاه صرفه‌جویی در مصرف انرژی، کار مادران شاغل از ساعت ۷ تعیین می‌شود تا مسئولان تصمیم‌گیرنده به این فکر نکردند که وقتی مادر باید ساعت ۷ سر کار باشد، فرزند او ساعت چند باید بیدار شود و به کودک‌کستان برود؟ سیاست‌های اینچنینی سیاست‌ضدخانواده است در صورتی که ما باید خانواده‌محور عمل کنیم.

وضعیت عمده مهدهای کودک موجود در کشور نیز مناسب نیست و کیفیت بسیار پایین دارند. سازمان تعلیم و تربیت کودک چه زمانی قرار است وضعیت مهدهای کودک را سرورسان و کیفیت آنها را تقا‌دهد؟

متأسفانه این حرف در دست‌است و قبول دارم که پیدا کردن مهد کودک خوب کار راحتی نیست. بعد از استقرار سازمان، باید مهدهای کودک ثبت و ساماندهی شود، نیروی انسانی به توانمندی بالاتری برسد و افراد با صلاحیت جذب شوند تا خانواده‌هایی که نیاز به مهدهای کودک دارند بتوانند به آسانی به مهد کودک خوب دسترسی پیدا کنند.

در حال حاضر این امکان هنوز برای خانواده‌ها فراهم نیست و سازمان تعلیم و تربیت هم نتوانسته تا امروز اقدامات مؤثری در این راستا انجام دهد، چراکه فرآیند استقرار سازمان تعلیم و تربیت کودک در زمان مناسب و به‌نحو مقتضی صورت نگرفته‌است. به همین علت عزم مسئولان مربوطه برای اینکه این سازمان زودتر مستقر شود، مهم‌ترین اقدام است تا مأموریتی که روی این سازمان تعلیم و تربیت گذاشته شده، از نظر فرزندآوری، رهبر فرزندی‌پروری، عدالت آموزشی و کیفیت آموزش یا قدرت به سرانجام برسد.

در پایان اگر نکته‌ای باقی‌مانده که می‌خواهید درباره آن صحبت کنید، بفرمایید.

نگاه کلی سازمان تعلیم و تربیت کودک که اساسنامه به آن تأکید دارد، این است که کودک در سه سال اول زندگی تا حد ممکن نباید از خانه و خانواده جدا شود. چون باید احساس ایمنی و امنیت داشته باشد و آن بازی که باید کودک انجام دهد در بستر خانواده باشد. بعد به تدریج حضور کودک در کودک‌کستان موضوعیت پیدا می‌کند و از لحاظ تربیتی و رشدی به آن نیاز دارد تا به او کمک کند برای ورود به مدرسه آماده شود، اما گاهی به دلیل مسائل اجتماعی که جامعه درگیرش است کودک کار را از گرامی خانواده محروم می‌کند یا اینکه کودکان به اصرار خانواده به سمت آموزش‌های زود هنگام می‌روند. در صورتی که از نگاه تربیتی و نگاه دینی، آموزش در این دوره سنی اصلاً ضرورتی ندارد و تبعاتی را نیز به دنبال خواهد داشت، اما وقتی خانواده اصرار به آموزش زود هنگام کودک دارد، مراکز نیز در این خصوص ایجاد می‌شود و اینها کار ما را سخت‌تر می‌کند.

در آخر اینکه باید حمایت‌های زیادی از سوی حاکمیت به شکل مستقیم و غیرمستقیم صورت بگیرد؛ حمایت‌هایی که کمک کند موانع سر راه سازمان تعلیم و تربیت کودک بر داشته شود، مربیان با کیفیت، متخصص و حرفه‌ای جذب شوند تا جایی که به مسئله تربیت و پرورش کودک نگاهی تخصصی حاکم شود و آن را بی‌اهمیت نبینند. در این صورت می‌توان انتظار داشت آن چیزی که دین، فرهنگ و آموزه‌های تربیتی‌مان می‌گوید، به اجرا برسد و انتظاری که داریم اتفاق بیفتد.

اگر عمری باشد... کمتر می‌گوییم و می‌نویسیم. بیشتر می‌شنوم و می‌خوانم. اگر عمری باشد عدالت را فدای عقیده، آرزو را فدای مصلحت و عمر را پای خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها قربانی نمی‌کنم. اگر عمری باشد چندان در خطاهای دیگران نمی‌نگرم که روسیاهی خود را بنبینم و هیچ ظلمی را سخت‌تر از تحقیر دیگران نمی‌شمرم.

اگر عمری باشد در جنگ‌های بیشتری گم می‌شوم. کوه‌های بیشتری را می‌نوردم، ساعت‌های بیشتری به امواج دریا خیره می‌شوم، دانه‌های بیشتری در زمین می‌کارم و زبانه‌های بیشتری از زمین برمی‌دارم. اگر عمری باشد کمتر غم‌ناخ خورده، بیشتر غم‌جان می‌پرورم و قدر دوستان و عزیزانم را بیشتر می‌دانم. حیف که پیمان‌ه هستی رضا بابایی، پژوهشگر معاصر هجدهم فروردین ۱۳۹۹ لبریز شد!

دوستان! شما دریغ نکنید؛ تا هنوز عمری هست...

افتتاح ۱۰۱ مرکز مشاوره با مشارکت بسیج و قوه قضائیه

سر‌دار سلیمانی با اشاره به تسریع اجرای طرح محله‌های اسلامی از سوی بسیج گفت: ۱۰۱ مرکز مشاوره توسط سازمان بسیج با مشارکت قوه قضائیه و وزارت کشور افتتاح خواهد شد. سردار سر تیپ پاسدار غلام‌رضا سلیمانی« رئیس سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به فعالیت ستاد پیامدازی سند راهبردی ۱۰ ساله بسیج گفت: این سند، بسیج را از روزمرگی و اعمال سلیقه‌ها خارج و دور می‌کند و بر اساس آن، نقش راه‌های پنج ساله تدوین شده‌است.

وی اضافه کرد: دو برنامه پنج‌ساله اول و دوم را داریم که در سال ۱۴۰۱، اولین برنامه پنج ساله را اجرا خواهیم کرد. سردار سلیمانی با تأکید بر اینکه بسیج به‌صورت قرارگاهی اداره می‌شود، تصریح کرد: مهم‌ترین نقطه کانونی و تمرکز راهبردی بسیج در ۱۰ سال آینده، تحقق بسیج با اولویت پایگاه‌های مساجد است. رئیس سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: اعتدلی پایگاه‌های مقاومت و فراهم کردن بستر نقش‌آفرینی برای احاد مردم، از برنامه‌های ما در این سند است.

وی همچنین با اشاره به نگاه بسیج به محله‌های اسلامی بیان کرد: طرح تحقق دولت‌محله‌ها در ۸۰۰ محله با چشم‌انداز «محله اسلامی» بر‌گزار کردیم. سردار سلیمانی تأکید کرد: اجرای طرح محله‌های اسلامی را با حمایت از پایگاه‌های مقاومت سرعت خواهیم بخشید. وی با بیان اینکه قرارگاه تشکیل و تحقق بسیج و قرارگاه تعلیم و تربیت در بدنه بسیج در راستای اجرای این سند تشکیل شده‌است، افزود: راهبردی تعلیم و تربیت، ذیل راهبرد بسیج ده‌ها میلیون‌ن است. در همین راستا، ۲۰ هزار و ۹۲۷ قطعه، در شبکه گفت‌وگو بسیج سازماندهی شده‌اند. رئیس سازمان بسیج مستضعفین با تأکید بر پیاده‌سازی نقشه راه راه‌آرئی بسیج در پایگاه‌های بسیج اضافه کرد: این برنامه بر اساس اندیشه رهبر معظم انقلاب در حال اجراست.

سردار سلیمانی با بیان اینکه نظام تربیتی در فضای رسانه هم مورد توجه قرار گرفته‌است، عنوان کرد: در همین راستا نگاه ویژه‌ای به مهدهای قرآنی داریم. وی با اشاره به اجرای طرح شهید بهنام محم‌دی در ۴هزار و ۱۲۲ مدرسه گفت: طرح تربیتی کوثر، تیم‌های تحول پیشرفت مدارس در بسیج فرهنگیان، گفت‌وگو قرآنی در بسیج کارگری، آموزش ۶۷۰ نفر از اساتید دانشگاه در طرح ولایت‌استادی، از دیگر برنامه‌های ما

در حوزه تعلیم و تربیت است. رئیس سازمان بسیج مستضعفین اظهار داشت: بسیج، تجربه خوبی در حوزه تربیت با راهبرد حلقه صالحین دارد. سردار سلیمانی با بیان اینکه تربیت ۸ میلیون جوان انقلابی را که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب است، در دستور کار قرار داده‌ایم، گفت: ۴ میلیون نفر از این جمعیت (ماحقق کردیم و هر کدام از این جوانان در بسیج، باید قابلیت‌های خود را اثبات کنند) و وی با اشاره به اینکه قرارگاه فرهنگی بسیج در راستای تولید قدرت نرم، ترویج فرهنگ ایثار، شهادت و مقاومت فعالیت دارد، تصریح کرد: برگزاری جشنواره‌های ملی و بین‌المللی فیلم مقاومت و رهاورد سزمین نور، از جمله برنامه‌های ما است. رئیس سازمان بسیج مستضعفین با اشاره به اینکه «حیات طیبه» در شبکه گفت‌وگو قرآنی در بسیج کار کرده‌ام، به کاهش آسیب‌های اجتماعی را در قالب این طرح داریم.

سردار سلیمانی تأکید کرد: ۱۰۱ مرکز مشاوره به‌صورت مردم‌پایه، توسط سازمان بسیج با مشارکت قوه قضائیه و وزارت کشور افتتاح خواهد شد. وی همچنین با تأکید بر اینکه بسیج در فضای مجازی ظرفیت‌سازی کرده‌است، از تشکیل گردان‌های ۱۵۰ نفری خواهر و برادر در مجموع ۹۹۷ گردان فضای مجازی در سطح کشور خبر داد.

رئیس سازمان بسیج مستضعفین ادامه داد: ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار بسیجی به این شبکه پیوسته‌اند. سواد رسانه‌ای را با آموزش عموم مردم آغاز کرده‌ایم. سردار سلیمانی با اشاره به تولید محتوا در فضای مجازی گفت: بازی‌های نظیر مختار و سفیر عشق، از جمله اقدامات در راستای تولید محتوا است که در موضوعات آثار قوی تولید محتوا داشتیم. رئیس سازمان بسیج مستضعفین تأکید کرد: «ما هوادار این‌اریم» به برند وی با بیان اینکه ۴۲ هزار گروه جهادی با جمعیت ۹۰۰ هزار نفری در بسیج تشکیل شده‌اند، افزود: رزمایش خدمات مؤمنانه، اقتصاد مقاومتی با تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه مردم‌پایه و طرح امنیت غذایی، از دیگر برها و اقدامات بسیج است.

سردار سلیمانی با بیان اینکه ۳ هزار و ۵۰۰ گردان در حوزه دفاعی امنیتی و یک میلیون نفر در سازمان رزم بسیج ساماندهی شده‌است، اضافه کرد: بسیجیان در حوزه دفاع از امنیت، در هیچ صحنه‌ای لغزش نداشته‌اند. رئیس سازمان بسیج مستضعفین خاطر نشان کرد: هدف ما، شکل‌گیری بسیج گام دوم در مسیر تحقق گام دوم انقلاب است. قصد داریم با تکثیر این الگو، در تحقق تمدن اسلامی گام برداریم.



شهروند – تهران: از مأموران امنیتی، نیروی انتظامی، سپاه و بسیج به خاطر تلاش شبانه‌روزی برای حفظ امنیت و آسایش مردم تشکر می‌کنم. امیدوارم مسئولان اقتصادی کشور هم تلاش وافر برای رفع مشکلات معیشتی مردم داشته باشند، تا وضعیت اقتصادی باعث نشود برخی از سوءاستفاده‌کنندگان با اغتشاش آسایش مردم و جامعه را به هم بزنند.